

مراسم ۸ مارس ۲۰۲۰، روز جهانی زن، در اشتوتگارت

گزارش تصویری
مراسم ۸ مارس روز جهانی زن در اشتوتگارت - آلمان
شنبه، ۷ مارس ۲۰۲۰ برابر با ۱۷ اسفند ۱۳۹۸

۸ مارس روز جهانی زن، بر زنان
جویای عشق و برابری در ایران و
جهان، خجسته باد!



مادران پارک لاله

«جوانه میزنم

به روی زخم بر تنم

فقط به حکم بودنم

که من زنم، زنم، زنم

چو هم صدا شویم و

پا به پای هم رویم و

دست به دست هم دهیم و

از ستم رها شویم ...» بخشی از شعر فرشته مولوی

امسال روز جهانی زن را در شرایطی بر پا می‌داریم که زنان ایرانی زیر شدیدترین فشارها قرار دارند، فشارهایی که حکومت ضد زن اسلامی ایران بر سر ما زنان آوار کرده است و هر روز این فشارها و تبعیض‌ها و تحقیرها سنگین و سنگین‌تر می‌شود، ولی به همان نسبت ایستادگی زنان نیز در برابر این بی‌عدالتی‌ها همه گیرتر می‌شود.

زنان مبارز ایرانی از همان ابتدای به قدرت رسیدن این حکومت زن ستیز، با شناختی دقیق و شجاعتی کم نظیر در برابر تبعیض‌ها و نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های این حکومت ایستادند و شعار دادند «ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم». مبارزات ۶ روزه زنان از ۸ مارس ۱۳۵۷، نمونه بارزی از مقاومت و ایستادگی زنان شجاع ایرانی در برابر این حاکمان ظالم بود. این مبارزه در طی این سال‌ها تا به امروز به اشکال مختلف ادامه داشته است و «دختران خیابان انقلاب» از دل همین ایستادگی‌ها بیرون آمدند و در حرکتی تک به تک ولی پیوسته، بر بالای بلندی رفتند و روسری از سر برداشتند و آشکارا در برابر این تبعیض ایستادند. این رویه با حضور زنان دیگر نیز ادامه پیدا کرد و این زنان خواست خود را برای آزادی و برابری با خواندن سرودهای دسته جمعی در مترو و دیگر مکان‌های عمومی نشان دادند. حکومت نیز از ترس ادامه این روند آن‌ها را با احکام سنگین روانه زندان کرد ولی آن‌ها شجاعانه بر حق خود ایستاده اند.

زنان از پیگیرترین مبارزان راه آزادی و برابری و عدالت خواهی اند!

مبارزات زنان در طی چهل و یک سال گذشته علیه محرومیت‌های سیاسی،

اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی ورزشی پیگیرانه ادامه داشته است؛ از مبارزه علیه تبعیض و تفکیک جنسیتی تا مبارزه علیه حجاب اجباری و حق کنترل بر بدن، از مبارزه علیه خشونت خانگی و سنگسار گرفته تا مبارزه برای لغو مجازات اعدام، از مبارزه برای حق دانستن حقیقت و پاسخ‌گویی و دادخواهی گرفته تا مبارزه برای محاکمه و مجازات آمران و عاملان جنایت‌ها، از مبارزه برای حق داشتن کار و تحصیل و حقوق برابر گرفته تا حق ازدواج و حق خروج از کشور و حق نگهداری از فرزند، از مبارزه برای حق آموزش رایگان برای کودکان و بهبود وضعیت آموزشی گرفته تا مبارزات زنان معلم، پرستار، کارگر، کشاورز، دانشجو، بازنشسته و خانه دار برای حقوق نادیده گرفته شده‌ی خود و هم‌چنین از مبارزه‌ی پیگیر برای حق تشکل‌های مستقل زنان که پیگیرانه و بی‌وقفه ادامه داشته است و هیچ‌گاه ناامید نشدند.

شلاق حکومت و جامعه‌ی مردسالار نیز مدام بر جان و روان و پیکر زنان بی‌رحمانه کوفته شده است؛ از بازداشت و شکنجه و اعدام برای فعالیتهای سیاسی و اجتماعی گرفته تا سنگسار برای داشتن روابطی خارج از ازدواج، از تجاوز و تحقیر و تهدیدهای جنسیتی توسط بازجویان و زندان‌بان‌ها گرفته تا تهدید و اسیدپاشی و قتل‌های ناموسی توسط جامعه مردسالار و این بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها از همان سال‌های آغازین حکومت اسلامی در زندان‌ها و خارج از زندان‌ها بر زنان اعمال شده است. هم‌اکنون نیز زنان بسیاری در زندان‌های ایران، زیر شکنجه و اذیت و آزارهای فیزیکی و روانی و جنسیتی بازجویان و ماموران وزارت اطلاعات و سپاه قرار دارند. صحبت‌های تکان‌دهنده‌ی نیلوفر بیانی یکی از نمونه‌های اخیر است: “بازجویان اطلاعات سپاه، برای گرفتن اعترافات ساختگی، وی را طی حدود ۱۲۰۰ ساعت بازجویی، در معرض شدیدترین شکنجه‌های روحی و روانی و تهدید به شکنجه فیزیکی و تهدیدهای جنسی قرار داده‌اند”.

چرا مادران و زنان پیگیرترین مبارزان راه آزادی‌اند و در مبارزه شجاعت بیشتری به خرج می‌دهند؟

آری اگر به مبارزات زنان ایران نگاهی بیاندازیم، مشاهده می‌کنیم که مبارزات زنان ایران هیچ‌گاه یک‌بعدی نبوده و همواره با عشق و مقاومت و مداومت همراه بوده است. زنان در حین مبارزه، می‌توانند عشق بورزند و شادی کنند، برقصد و آواز بخوانند. زنان در حین مبارزه می‌توانند شریک زندگی برای خود برگزینند و

فرزندانی سالم و توانمند و عاشق به بارآورند. زنان در حین مبارزه می‌توانند مسئولیت پذیری و کمک به هم‌نوع، کمک به حیوانات و دوستی با طبیعت را به جامعه بیاموزند. زنان که خود همواره در معرض خشونت‌های چند سویه از طرف حکومت و جامعه‌ی مردسالار بوده و هستند، همواره توانسته‌اند علیه خشونت مبارزه کنند و بی‌تردید می‌توانند خشونت را از دنیا براندازند. همین زنان بودند که مبارزه علیه ظلم را به فرزندان‌شان و جامعه‌آموختند و ما شاهد دلاوری‌های فرزندان این زنان بودیم. زنان نیروی عجیبی در هماهنگی و بهبود شرایط دارند و این نیرو می‌تواند آن‌ها را برای دنیایی انسانی و به دور از خشونت و به دور از ظلم و جنگ و نابرابری آماده کند. البته زنانی نیز هستند که در دنیای مردسالارانه غرق شده‌اند و تلاش می‌کنند که پا جای پای خشونت‌گری‌های مردانه بگذارند، ولی اغلب زنان زندگی‌شان همواره با عشق، ایستادگی و مقاومت همراه بوده است و می‌توان مصداق‌های بسیاری را تنها اشاره وار گفت. بسیاری از زنان ضمن انجام کار بیرون از خانه، کارهای خانه را نیز با عشق انجام می‌دهند. البته در این میان به زنان ظلم بسیار می‌شود و کار خانه گاه تبدیل به بیگاری و شکنجه می‌شود، زیرا زنان در ازای این کار طاقت فرسا و بی‌پایان، دستمزدی دریافت نمی‌کنند، در حالی که دولت‌ها باید برای کار زنان که تولیدکنندگان نیروی کار هستند، حقوقی اجتماعی در نظر بگیرند.

شاید از خود سؤال کرده باشیم چگونه مادران و خانواده‌های خاوران که اغلب مادران و خواهران و همسران را شامل می‌شوند، پیگیرترین زنان در عرصه دادخواهی در ایران بوده و هستند. خانواده‌هایی که با عشق و شجاعت و پایداری، الگویی برای دیگر خانواده‌های زخم‌خورده شدند. شهناز اکملی مادر (مصطفی کریم بیگی از کشته‌شدگان دی ماه ۱۳۸۸) که برای دادخواهی فرزندش و همراهی با دیگر خانواده‌ها به یک سال حبس محکوم و در ۲۵ دی برای اجرای حکم روانه زندان اوین شد و در ۱۲ اسفند برای پیشگیری از ابتلا به ویروس کرونا به مرخصی آمد، پیش از رفتن به زندان گفت: «مادران و خانواده‌های خاوران راه و رسم ایستادگی برای دادخواهی را به من و دیگر مادران زخم‌خورده‌ی سال ۱۳۸۸ آموختند و ما نیز پرچم دادخواهی را بلند کردیم و با مادران آسیب‌دیده‌ی سال ۱۳۹۸ همراه شدیم و آن‌ها نیز پرچم دادخواهی را بلند کردند و این پرچم‌ها هر روز تکثیر شده و بر تعداد مادران و خانواده‌های دادخواه افزوده می‌شود».

آری مادران و خانواده‌های خاوران جزو اولین زنان عاشقی بودند که برای دانستن حقیقت و دادخواهی در برابر بی‌عدالتی‌های این حکومت ستمگر ایستادند و سینه‌شان را سپر کردند و راه و رسم عاشقی و دادخواهی را به دیگر خانواده‌های زخم‌خورده آموختند. متأسفانه بسیاری از آن‌ها هم‌اکنون در میان ما نیستند، ولی راه‌شان همچنان ادامه دارد و به حق است که در روز جهانی زن از آن‌ها قدردانی کنیم. مادران و خانواده‌هایی چون مادر پنجه‌شاهی، مادر میلانی، مادر ریاحی، مادر رضائی جهرمی، مادر بهکیش، مادر معینی، مادر پناهی، مادر لطفی، مادر سرحدی، مادر قائدی، مادر اخوت و پروانه میلانی و بسیاری دیگر. جنایت‌های حکومت اسلامی ایران در دهه‌ی شصت متوقف نشد و مبارزه برای دادخواهی نیز اغلب توسط مادران و زنان و دختران خانواده ادامه یافت. از دادخواهی قتل‌های سیاسی پاییز ۷۷، تا دادخواهی قتل‌های سال ۷۸، از دادخواهی قتل‌های سال‌های ۸۸ و ۸۹ تا دادخواهی قتل‌های دی ۹۶، آبان ۹۸ و دادخواهی قتل مسافران و خدمه پرواز ۷۵۲ اوکراین و این راه دشوار تا امروز توسط زنان و مردان شجاع خانواده ادامه یافته است و بی‌تردید روزی تمام این دادخواهان دست در دست همدیگر دادشان را از بیدادگران خواهند گرفت و آن روز نزدیک است.

ما مادران پارک لاله نیز الگوی مان، مادران و خانواده‌های خاوران هستند با کمی تفاوت در جنس و روش. جنس ما اغلب از خانواده‌های زخم‌خورده نیست و به عنوان زنانی فعال که دغدغه مان آزادی و برابری و برقراری عدالت است، پس از کشتار مردم بی‌دفاع در خیابان در سال ۸۸ راه مان را با روشی آگاهانه و در همراهی با خانواده‌هایی که از چهل سال جنایت این حکومت زخم‌خورده بودند، آغاز کردیم زیرا ایستادگی برای دادخواهی را امری مهم برای آینده‌ی کشور می‌دانیم و معتقدیم با مقاومت و ایستادگی و آگاهی بخشی و همبستگی می‌توانیم مسیر آزادی و برقراری عدالت را هموار کنیم و جلوی تکرار جنایت را بگیریم. در این راه نیز همراهانی در داخل و خارج از کشور داشته و داریم و در این ده سال تلاش کرده ایم که صدای اعتراض خانواده‌های زخم‌خورده را علیه بیدادگری‌های این حکومت ستم‌گر به هر شکلی که می‌توانیم رساتر کنیم.

ما مادران پارک لاله ایران، در این شرایط حساس که بیماری کرونا در ایران بیداد می‌کند و مردم جان به لب رسیده را به مرز خفگی رسانده است و هیچ مقام و نهاد حکومتی مسئولیت نمی‌پذیرد و

اطلاعات شفاف و دقیقی به مردم نمی‌دهند، از تمامی زنان و مردان مبارز و آزادی‌خواه ایرانی و تمامی نهادها و سازمان‌های مستقل ایرانی داخل و خارج از کشور و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهیم که راهی جدی برای برون‌رفت از این شرایط حساس بیابیم. جان فرزندان ما در خطر جدی است. به ویژه زندانیان که در شرایطی بسیار غیر استاندارد و خطرناک نگهداری می‌شوند و ازدحام زندانیان در زندان‌های مختلف تهران و شهرستان‌ها و بی‌مسئولیتی حکومت بیداد می‌کند و به نظر می‌رسد که این بیماری به داخل زندان نیز سرایت کرده است. ما از سازمان بهداشت جهانی به طور جدی می‌خواهیم که به حکومت ایران فشار بیاورند تا بتوانند از زندان‌های ایران بازدید کنند و اطلاعات دقیقی از وضعیت زندانیان بیمار به مردم گزارش دهند. ما همراه با خانواده‌های زندانیان سیاسی می‌خواهیم که هر چه زودتر و حتی شده به صورت موقت زندانیان سیاسی و عادی آزاد شوند تا خودشان و خانواده‌های شان بتوانند از آن‌ها مراقبت کنند.

ما مادران پارک لاله ایران، هم‌چنین تأکید می‌کنیم که خواهان (۱) آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، (۲) لغو کامل قانون مجازات اعدام و لغو هر گونه شکنجه، (۳) محاکمه و مجازات آمران و عاملان تمام جنایت‌های صورت گرفته در جمهوری اسلامی در دادگاه‌های علنی و عادلانه و مردمی هستیم. ما اعتقاد عمیق داریم که این خواسته‌ها با اتحاد و همبستگی و مبارزات پیگیر ما دادخواهان به دست خواهد آمد و تردیدی نیست که برای رسیدن به این خواسته‌ها باید برای رسیدن به آزادی بیان و اندیشه، رفع هرگونه تبعیض، و جدایی دین از حکومت نیز تلاش کنیم، زیرا علت اصلی این بی‌عدالتی‌ها را در ساختار حکومت و قوانین آزادی ستیز و تبعیض‌آمیز حکومت اسلامی ایران می‌دانیم.

مادران پارک لاله ایران
۱۶ اسفند

بزرگداشت هشتم مارس، روز جهانی زن



کانون نویسندگان ایران

بیش از یک سده از جهانی شدن هشتم مارس با عنوان «روز زن» می گذرد. روزی که نماد جنبشهای مبارزاتی زنان برای برخورداری شدن از آزادی و حقوق برابر است. این جنبشها، در اعتراض به دیدگاهها و نهادهایی شکل گرفت که با در دست داشتن سرمایه، نیروی کار، ابزارهای تولید، قانونگذاری و قدرت سیاسی، به مردان به عنوان جنسیت فرادست رسمیت می بخشید و و زنان را در اقشار فرودست جامعه جای می داد.

اکنون که در سراسر جهان جنبشهای زنان، بسیاری از دولتها را ناگزیر کرده است به مطالبات آنان در عرصه های گوناگون اجتماعی و سیاسی گردن نهند، نظام حاکم بر ایران با رواداشتن تبعیض مضاعف بر زنان همچنان از پرچمداران حذف آنان از سطوح خرد و کلان نهادهای تصمیم گیری است؛ نظامی که با تصویب قوانین مردسالارانه و ناعادلانه ای چون حجاب اجباری، تفکیکهای جنسیتی، منع حضور و کنشگری زنان در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، از بدن، خانه، خانواده، خیابان، قانون و جامعه برای زنان زندان ساخت و همه امکانات خود را برای ساختن جامعه ای با فرهنگی زنستیز و خشونت های برآمده از نابرابری جنسیتی به کارگرفت تا از گلوگاه فشارهای ناشی از آن، دختران محکوم خیابان انقلاب، دختران در

آتش سوخته‌ی ورودی ورزشگاه‌ها، مادرانِ دادخواه در حبس و زندانیان زنِ سیاسی و عقیدتی فریاد برآوردند.

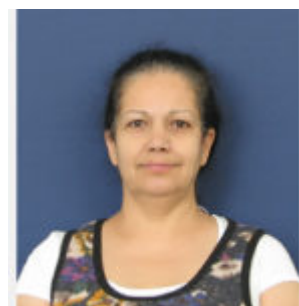
در حالیکه امروز، آهنگ رشدِ دانش‌آموختگان زن ایرانی بیش از هر زمان دیگر است و زنان در صف اول آگاهی‌بخشی و مبارزات مردمی دوشادوش مردان می‌کوشند، همچنان حق مشارکت آنان در عرصه‌های عمومی با کنترل و سانسور حداکثری حاکمیت رودروست و نیروهای قضایی و امنیتی با همه‌ی توان به سرکوب هر فعالیتی می‌پردازند که قصد متشکل ساختن زنان را داشته باشد؛ و به رغم اینکه حضور پرتوان زنان ایرانی در عرصه‌های گوناگون، حاکمیت را در بسیاری مواقع وادار به عقب‌نشینی کرده است، موضوع زن در ایران همچنان یک مسئله‌ی امنیتی است و به هر کنشگر زن که با تکیه بر حقِ آزادی بیان، ساختارهای سلطه را به پرسش و نقد بکشد با ابزارهای زندان، شکنجه، آزار جنسی، تهدید و دیگر شکل‌های آشکار و پنهانِ سرکوب پاسخ داده می‌شود؛ چرا که تاثیر آگاهی جنسیتی بر درک انسان‌ها از ضرورت تغییر و ورود آن به گفتمان عمومی، همواره از مهمترین عوامل پدیدآورنده‌ی هراس در حاکمان بوده است.

کانون نویسندگان ایران با گرامیداشت کوشش همه‌ی زنان و مردان آزادیخواه جهان، خواستار آزادی همه‌ی مبارزان دربند، به ویژه زنان فعال اجتماعی و سیاسی- عقیدتی و کناره‌گیری همه‌ی نیروهای انتظامی و نهادهای امنیتی از سانسور و سرکوب زنان است و با تاکید بر لزوم آزادی بدون حصر و استثنای اندیشه و بیان برای رسیدن به جامعه‌ای برابر و آزاد، حق ایجاد تشکلهای زنان و پیگیری علنیِ مطالباتشان را از راه‌های فردی و گروهی ضروری می‌داند، زیرا این مطالبات پیش‌شرطِ رهاسازی زنان، به عنوان یکی از ارکان بنیادین اعتلای جوامع است و برداشتن این گام مهم، همبستگیِ همه‌ی آحاد جامعه را می‌طلبد.

«هشتم مارس، روز جهانی زن» بر همه‌ی زنان و مردان آزادیخواه گرامی باد.

کانون نویسندگان ایران
اسفند ۹۸

وضعیت زنان خاورمیانه در جهان کنونی



ناهید جعفرپور

طبق آمار سازمان ملل در سال دوهزار و هفتده میلادی از 7,4 میلیارد جمعیت روی زمین 3,5 میلیارد زنان می باشند. با این وجود اما در بسیاری از مناطق جهان نابرابری حقوقی و فرهنگی علیه زنان فاجعه بار است و تبعیض و خشونت علیه زنان مناسبات نابرابری را در جامعه و محیط خصوصی انسانها برقرار نموده است، بطوری که تولد فرزند دختر نوعی شرمساری و فشار محسوب می شود. در واقع تبعیض و نابرابری حقوقی و اجتماعی و خصوصی نسبت به زنان تحت تاثیر تناسب قوای تاریخی نابرابر میان طبقات، مردان و زنان، جامعه تحت تاثیر ادیان و فرهنگ مردسالاری و عقب ماندگی فرهنگی ووو می باشد که این نابرابری در نهایت منجر به اعمال سلطه و تبعیض توسط جامعه مردسالار و در نتیجه مردان گردیده و این امر خود جلوگیری از پیشرفت زنان می نماید و از جمله مکانیسمهای اصلی اجتماعی است که فرودستی زنان نسبت به مردان نتیجه آن است.

برخی از گروههای زنان، مانند زنان متعلق به اقلیتها، زنان ملیت ها، پناهندگان زن، زنان کوچنده، زنان ساکن مناطق روستایی یا دور افتاده، زنان فاقد درآمد، زنان سرپرست خانوار، زنان آسایشگاهی، زنان بازداشتی، دختران خردسال، زنان معلول، زنان کهنسال و زنان ساکن مناطق جنگی و...، به ویژه در برابر این نابرابری سیستماتیک خشونت و تبعیض آسیبپذیرترند و با توجه به اینکه هر چه جامعه عقب مانده تر و بیشتر تحت تاثیر فرهنگ و مذاهب از سوئی و تحت تاثیر

جنگ ها (چه جنگ های از خارج و چه جنگ های داخلی) از سوی دیگر قرار می گیرد این خشونت ها عریان تر خود را نشان می دهند.

بررسی و کاوش و شناخت معضل و در نتیجه ارائه راه حل از مهمترین وظایف سازمانهای فمنیستی و سازمانهای دفاع از حقوق بشر و همچنین جنبش جهانی است. طبیعتا شکل خشونت و درجه خشونت علیه زنان و کودکان و درجه خدشه دار شدن حقوق بشر در کشورهای متفاوت با هم فرق می کند. اما دربرخی از این کشورها حتی به نرم های جهانی حقوق بشر تائید شده از سوی خود این کشورها هم توجه ای نمی گردد.

با نگاهی به کشور های مشخصی در خاورمیانه یعنی درست کشورهایی که در کنار حاکمیت سرمایه، جنگ و فرهنگ و سنن و دین هم نقش تعیین کننده بازی می کنند، بخصوص زنان اقشار تحتانی (زنان خانه دار، سرپرست خانوار، دهقان، کارگر و...) هر روز و هر دقیقه و هر ثانیه در معرض انواع و اقسام فشارها و خشونت ها قرار میگیرند و برخا از آنجا که قوانین زن ستیز ملکه این جوامع است و در تاروپود این جوامع رخنه کرده است، برای فرار از این همه بی عدالتی و ظلم و خشونت و بی حرمتی راهی جز خودکشی و خودسوزی و در بهترین حالت سوختن و ساختن با بیماری های عصبی و سایر بیماری های روحی و روانی و جسمی برای زنان باقی نمی ماند.

در برخی از این کشورها مثلا چون افغانستان و عراق از یک سو جنگ داخلی و اشغال و فقر و بی بهره گی از تمامی نعمات یک زندگی شرافتمندانه انسانی زنان را دوره کرده است و از سوی دیگر رژیم های بنیادگرائی که با به قل و زنجیر بستن دست و پای زنان عملا قصد زنده بگور کردن این نیمه فعال جامعه را در سر دارند. مسلما در هر جامعه ای که جنبش زنان آن بطور فعال و نیرومند وارد صحنه شده و در مقابل تمامی این خشونت ها مبارزه نموده است در مقابل موفق هم گشته است قدمهای بزرگی در راه رفع تبعیض در حوزه های مشخص بردارد.

از طرفی هم نمی توان به آمار های رسمی کشورها اعتماد نمود و مسلما درصد تبعیض و نابرابری حقوقی به زنان بسیار بالا تر از آمارهای رسمی است. بغیر از گزارش های سازمانهای حقوق بشر، بسیاری از گزارش گران وضعیت تبعیض بار زنان در زیر فشار های مختلف و دستگیری ها قرار میگیرند و این مسئله دسترسی به آمار دقیق تر را مشکل می سازد بطور مثال گزارش گران بدون مرز (ار اس اف) در گزارش خویش به مناسبت روز جهانی زنان با نام "حقوق زنان" اعلام

نموده اند که در راه تهیه پژوهش‌هایشان در کشورهای مختلف تعداد بیشماری کشته و زخمی مورد تهاجم قرار گرفته‌اند.

در ایران بسیاری از روزنامه‌نگاران زن فمینیست مورد آزارهای قضایی قرار گرفتند و یا برای نوشته‌هایشان در باره حقوق زنان زندانی شده‌اند. سرکوب گزارشگران حقوق زنان، تنها در برگیرنده روزنامه‌نگاران زن نیست. در سومالی عبدی عزیز عبدی نور برای مصاحبه با یکی از قربانیان تجاوز بازداشت و به یک سال زندان محکوم شد. در زیر این فشارها برخی از گزارش‌گران ناگزیر به تبعید می‌شوند. برخی دیگر قلم بر زمین می‌گذارند. و بسیاری دیگر همچنان پایداری می‌کنند. گزارش‌گران بدون مرز در گزارشات خویش از همه آنها تجلیل کرده است.

آن چه همه پژوهشگران حقوق زنان در پژوهش‌های خویش بر آن تاکید دارند این نکته مهم است که شکاف جنسیتی و نابرابری حقوقی و خشونت‌های فیزیکی و روحی بر زنان میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به مراتب بیشتر و برجسته‌تر از سایر نقاط جهان است. دوم آنکه، تحلیل‌های تفصیلی این پژوهش‌ها نیز نشان دهند تنوع و تفاوت‌های قابل ملاحظه بین این کشورهاست، به طوری که می‌توان آنها را براساس وضعیت زنان در سه شاخص بین‌المللی به پنج گروه مجزا تقسیم کرد. در این گروه‌بندی، کشورهای قطر و کویت در دست یک، کشورهای امارات متحد عربی، تونس، بحرین، عمان، عربستان سعودی و لیبی در گروه دوم، کشورهای لبنان، ترکیه و الجزایر در گروه سوم، کشورهای ایران، سوریه، اردن، مصر، مراکش، پاکستان و عراق در گروه چهارم و یمن و افغانستان در گروه پنجم قرار می‌گیرند. بر این اساس، به نظر می‌رسد برای تبیین و شناخت دقیق وضعیت زنان در این کشورها، توجه به تفاوت‌های متعدد و ناهمسانی آنها، هم در وضعیت کنونی و هم در روند تحولات وضعیت زنان در سه دهه گذشته، ضروری است.

سخن کوتاه، هشت مارس روز جهانی زنان فرا می‌رسد. روزی که در اکثر کشورهای جهان از مبارزات تاریخی زنان برای رسیدن به خواست‌های برحقشان تجلیل می‌شود اما در همین زمان هم هنوز زنان جنوب جهان و بخصوص زنان در کشورهای خاورمیانه همچنان متحمل سخت‌ترین تبعیض‌های جنسیتی می‌باشند. زنان خاورمیانه، امروز با بسیاری از مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست به گریبان هستند. هنوز جلوه‌های آشکار از تبعیض و ستم جنسیتی بر جوامع مختلف مستولی است، هنوز هم ممانعت‌های آشکار و گاه پنهان سد راه زنان قرار دارد که از شکوفایی توانمندی‌های آنان در امر ساختار نظام اجتماعی می‌کاهد.

در چند دهه گذشته تحت تاثیر حکومت اسلام سیاسی در بسیاری از این کشور ها مانند ایران و جنگ های عراق و افغانستان و شروع جنگ داخلی سوریه و همزمان با پیدایی داعش و گروه های رادیکال وضعیت زنان در مناطق مختلف خاورمیانه بغرنج تر و سخت تر شده و در پاره ای موارد مانند زنان ایزدی و دیگر زنان در قلمروی داعش، اقدامات دوران برده داری نظیر خرید و فروش زنان و تجاوزهای سازمان یافته باز تکرار شد، که متأسفانه تا به امروز همچنان ادامه دارد.

جهان در حالی روز هشتم مارس را جشن میگیرد که زنان در خاورمیانه همچنان با تبعیض های حقوقی و جنسیتی بسیاری دست و پنجه نرم میکند ، از اختلاف فاحش دستمزدها در کشورهای پیشرفته گرفته تا نابرابری های اجتماعی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه، اما همچنان زنان برای رسیدن به برابری های اجتماعی و سیاسی و حقوقی خود مبارزه میکنند و به راه خود ادامه خواهند داد.

ناهید جعفرپور